

بررسی آئین تانترا

اثر: دکتر مرضیه شنکایی

استادیار دانشگاه الزهرا (س)

(از ص ۴۶۳ تا ۴۷۶)

چکیده

مقاله حاضر بررسی مکتب تانترا می‌باشد که روش اعتقادی بر مبنای پرستش زوجیت در جهان قرار گرفته است.

این مکتب عالم مادی و ناسوت را آینه‌ای می‌داند که تصاویر عالم بالا را در خود منعکس می‌کند، لذا همانگونه که زوجیت در عالم بالا حکم فرماست، در عالم پایین هم سایه‌های آنهاست که فاعل امورند. لذا با خواندن ادعیه و انجام مراسم، سعی در تحقق درست انعکاس امور عالم بالا به پائین را دارند.

واژه‌های کلیدی: تانترا، برهمن ساگونه، برهمن نیزگونه، حقیقت منفی یا

نیورتی، مثبت یا پراورتی، ارهت، بعد مادی بودا.

مقدمه:

آئین تانترا از دیرباز در هندوستان رایج بود. این که چگونه به وجود آمده و منشأ آن از کجا بوده است، دقیقاً معلوم نیست، اما هرچه هست به خوبی نشان می‌دهد که قبل از آن که ادیان آسمانی مانند دیانت زرتشتی و یهود به وجود بیایند، آئین تانترا در هند به شکل نه امروزی آن رایج بوده است.

تمایل اصلی این مکتب به بعد معنوی حقایق مادی است و بیشتر افکارش حول دوگانگی امور عالم دور می‌زند. لذا در این مقاله سعی شده است که مجملی از آداب و عقاید تانترا برای روشن نمودن این مطلب آورده شود.

پیدایش عرفان در دین هندو

پیدایش عرفان به عنوان روش معنوی - اخلاقی زندگی و جریان فکری در بعد جهانی در هند آغاز شد و از آنجا گسترش پیدا کرد. فکر هندی از بدو پیدایش تمایل شدیدی به عرفان داشت و تقریباً تمام گرایشهای عرفانی را که در ادیان و مکاتب فلسفی دیگر وجود دارد، با توضیحات روشنتری در متون کهن هندو (آپانیشادی و ودائی) می‌توان یافت. ریشی‌های ودائی و آپانیشادی اولین حکمایی بودند که وحدتی که همه کثرت‌ها را شامل می‌شد، در یافتند. در حقیقت در ریگ ودا است که شاید برای اولین بار این ادراک حاصل شده است که:

Ekam sad vipa bahudha v adanti

Agnim yamam mataris' vanam ahud

یعنی حقیقت یکی است و سرایندگان و شعرا نام‌هایی مختلف به آن داده‌اند، آگنی، یمه، ماتریشوان.^(۱)

۱- ریگ ودا ۱۶۴-۴۶ و نیز:

Mujtabi, F., Hindu Muslim Cultural Relations, Dehli, 1978, p.92.

پیدایش تانترا

تا مدتها گمان می‌کردند که تانترا یک سلسله افکار و عقایدی در کنار دین هندوئی است بنابراین به آن توجه چندانی نمی‌کردند؛ ولی تحقیقات اخیر در زمینه بودائی نشان داده است که قسمت اعظم ادبیات بودایی، نشأت گرفته از ادبیات تانترایی است. (C.f. Dasgupta. SH. Tantric Buddhism, 1956, p.vII. U.S.A.)

شک نمی‌توان کرد که بعد از انقراض تمدن دره‌ی سند (موهنجو دارو) بسیاری از معتقدات متعلق به طبقه پایین اجتماع کم‌کم سربر آوردند و به تدریج وارد نظام برهمنی شدند. یکی از پدیده‌هایی که بدون شک عناصر بومی هند در تکوین آن نقش به‌سزایی داشته‌اند، این آیین است. (رج، شایگان. داریوش، ادیان و مکتبهای فلسفی هند، تهران، ۱۳۶۲، ص ۷۹). از قرن ۸ تا ۱۴ دروه شکوفایی تانترا بود و نوشته‌های "سامهیتا" (Samhita) و "آگمه" (Agumas) به آن دوره برمی‌گردند.

(C.f. A. Padoux, "Hindu tantrism" M.Eliade, ed. Encyclopedia of Religion, vol 14, 1987, p. 274.

در طول حیات تانترا، دو آیین هندویی و بودایی در آن بسیار تأثیر بخشیده‌اند و خود به دو شاخه تقسیم شد: شاخه هندویی و شاخه بودایی، گرچه این دو شاخه کمی با هم فرق دارند ولی در هر صورت در اصل از یک چشمه سیراب شده‌اند. تانترا در کل به دو شعبه راستی و چپی تقسیم می‌شود که اولی حد اعتدال را در پیش گرفت و شاخه چپی آن به افراط و زیاده‌روی در اعمال جنسی و مراسم سری پرداخت.

فرق مختلف تانترایی هندویی برحسب پرستش ویشنو و شیوا و شکتی (مؤنث) از هم جدا می‌شوند، ولی دو تای آخر از لحاظ مبانی فکری مافوق طبیعی جدایی ناپذیرند. البته شاخه ویشنویی امروز خود را تانتریک نمی‌داند و گروه اصلی آن را "پنجه راترا" (Pancratra) تشکیل می‌دهد.

مفهوم تانترا

تانترای بودایی و هندویی هر دو معتقدند که برای به کارگیری انرژی کیهانی باید از این بدن پست و مادی برای اهداف متعال (Transcendental ends) استفاده کرد. مفهوم شاکتی در هر دو گروه یکی است و مراسم خاص اعمال جنسی برای رسیدن از اسفل به اهداف والا و متعال لازم است.

(C.f. A. Padoux, "Hindu tantrism" M.Eliade ed, vol 14, 1987, p.279.)

جهان بینی تانترا

یک محقق برای بررسی تانترا باید با ذهنی باز و به دور از تفسیر و یا برداشت غلط و مغرضانه و بدون تعصب به آن پردازد. واقعیت ظریف و اعمال مذهبی پیچیده این مکتب را نمی توان با نظامهای ارزشی و دیدگاههای امروز بررسی کرد. هدف اصلی نوشته های تانترایی، شرح روش عملی درک حقیقت است و بنابراین تفکرات فوق طبیعی نتوانسته است امتیازی در آن داشته باشد. متون تانترای هندویی یا بودایی را باید به عنوان نوشته های مذهبی مستقلی به حساب آورد که به اصول فلسفی رایج در زمان پیدایش خود اختصاص دارد و منشاء آن را در هیچ تفکر یا روشهای فلسفی دیگر نمی توان دانست.

موضوع اصلی تانترا، بوگا، سرودها، مراسم و آداب و اصول و حتی قوانین و طلسم و جادو و غیره است (C.f. SH. Dasgupta. Tantric Buddhism, p.I.)

بدن انسان عالم صغیر است و در آن قوه و نیرویی عظیم مخفی و نهفته است که آن را شکتی گویند و آن قوه در قاعده ستون فقرات انسان ذخیره گردیده است و به وسیله ریاضتهای جسمانی و دماغی و تربیت قوه اراده می توان آن را ظاهر کرد و باید بعضی اوراد مخصوص را تکرار کرد و با صداها و حرکات گوناگون و رسم و نقوش، طلسمات عجیب همراه با جنبش دست و پا آن را تحریک نمود تا آن که شکتی از مکان مخفی خود بیرون آید و منبع آثاری بزرگ گردد و شیاطین بدکردار و ارواح خبیثه را از انسان دور سازد.

هر یک از خدایان همسر و زوجه‌ای از جنس شکتی دارند که قوه فوق‌العاده اوست و از ترکیب و اتحاد با آن زوجه به وجود می‌آید. پس ستایش خدای مؤنث یعنی شکتی که همسر شیوا و سمبل تولید مثل است، رایج می‌گردد. نهایتاً فلسفه تانترایی از "سانکھییه یوگا" و نظریه آن در باب "پوروشا" و "پراکرتی" و تأکید به خصوص آن بر جنبه عرفانی تعلیم یوگا قرار دارد. آن مفهومی که از مادر خدا در اذهان غربی‌هاست، در هندو نیست؛ بلکه او را مؤنث یا مذکر نیز نمی‌داند. او وجودی وراء اینهاست. او "برهمن" خالص است.

در تانترا "دوی" (Devi) خدای مادینه است و در عین حال به شکل مادر خود و یا "پراکتی" و یا تمام زنان تجلی می‌کند؛ پس زنان را شاکتی گفته‌اند. او به هر شکلی از "آگاهی" وجود پیدا می‌کند؛ زیرا آگاهی ذات اوست. کلمه مادر از آن جهت به او اطلاق می‌شود که قلبی رؤوف و مهربان دارد. صفت "دوی" کلمه "پراکاشتمیکا" (Prakashhat mijka) است. به معنی چیزی که ماهیتش از نور متجلی باشد. این کلمه به آن سبب برای جنس مؤنث به کار می‌رود چون (او) به عنوان "شکتی" و یا "پراکرتی" مثل مادر، همه را در آغوش می‌گیرد. پس "دوی" همان "برهمن" است که به صورت مادرش "شری ماتا" (Shrimata) یا قدرت خلاقه و نگهدارنده عالم هستی تجلی کرده است. برای کسانی که در اقیانوس ذات او غوطه‌ور هستند، اختلافی میان کلیه تجلی‌های او وجود ندارد. "کریشناشکتی" "شیواشکتی" و "کالی شکتی" و تمام اشکال دیگر شکتی یکی هستند.

(A. Avalon, Hymns to the Goddess, Madras, 1952, P.VI.)

موضوع بحث تانترا ۵ چیز است:

- ۱- خلقت، ۲- فساد دنیا، ۳- نیایش خدایان، ۴- رسیدن به قدرت مافوق طبیعی، ۵- اتحاد با هستی مطلق.

در واقع محتوای تانترا هم سحرگونه است و هم اسرارآمیز، اما اشاره بر مطالب گوناگون دارد، مثل: علمی، مذهبی، پزشکی، ریاضی و ... خلاصه آنچه را که مورد نیاز پیروان آن است، در بر می‌گیرد. بالاخره مهم‌ترین مباحث تانترا درباره

قدرت‌های فوق طبیعی و ماهیت "برهمن متعال" است، مثل: "نیرگونه" (به معنی بدون صفات Nirguna) و "سگونه" (با صفات متفاوت Saguna)؛ یعنی در ابتدا برهمن بدون صفات وجود داشت. ذکر عرفانی اُم، آم، آوُم، اوم (Om, am, Un, Um)، فراوان در نوشته‌ها به کار رفته است و گاهی یک صفحه کامل را تشکیل می‌دهد. همه اعمال و اذکار برای مرد و زن آزاد است و فرق نمی‌کند. قربانی کردن زنان بیوه ممنوع و تداوم اعمال و مراسم مذهبی تا ختم دوره "کالی یوگا" باید انجام شود.

تقسیمات جدید تانترا

برای درک بهتر تانترا می‌بایست تقسیمات گذشته را به کنار زد و آنچه را امروزه از آن به جا مانده است، بررسی نمود.
در عصر کنونی تانترا به سه شاخه اصلی به شرح زیر تقسیم شده است:

۱- تانترای بودایی

گرچه تانترا در بودیسم از توده‌ای عناصر ناهمگون تشکیل یافته است، مثل: خواندن و زمزمه کردن مانترها، شرح نمودارهای عرفانی مختلف، ساختن اشکال متفاوت صورتی و بدنی، ستایش انواع گوناگون خدایان مؤنث و مذکر حتی نیمه خدایان و شبیه به آنها، و انواع تفکر و مراقبه (Meditation)، تمرینات یوگایی و گاهی پرداختن به اعمال جنسی، اما عملاً همان تانترای هندویی است.

(C.f. SH. Dasgupta. Tantric Buddhism, p.3.)

تانترای هندویی و بودایی بر بدن آدمی بسیار تاکید دارد، زیرا بهترین واسطه است برای درک حقیقت، همچنین هر دو هندویی و بودایی در جنبه اساسی دیگری نیز اشتراک دارند و آن اصل الهی دوگانگی وحدت است. هر دو مکتب به غیر دوگانه بودن حقیقت در ذات خود معترف‌اند: منفی یا "نیورتی" (Nivrtti) و مثبت یا "پراورتی" (Pravrtti)، ثابت و متحرک، دو جنبه حقیقت‌اند که در هندویسم در شیوا و شکتی نشان داده شده است و در بودیسم، در "پراجنا" (Pragna) و "آپایا" (Upaya)

(شون یا تاور کرونا)^(۱) در تانترای هندویی که اصول فوق طبیعی شیوا و شکتی در دنیای مادی و ناسوت به صورت زن و مرد تجلی کرده‌اند؛ در تانترای بودایی دو اصل پراجنا و آپایا در زن و مرد از هم متأثر و منفعل شده‌اند و غایت هر دو مکتب مرحله کامل اتحاد است. اتحاد بین دو جنبه حقیقت و درک طبیعت غیر دو گانه خود و غیر خود. اصل فلسفه تانترا در همه جا یکی است ولی در هر محیطی تفاوت‌هایی در رنگ آن پیدا می‌شود. در دین هندویی رنگ فلسفه و در بودایی رنگ عقاید و اعمال بودایی را گرفته است.

در بررسی افکار تانترای بودایی به سه عنصر اصلی برمی‌خوریم:

۱- عقاید فوق طبیعی غیر مرتبط که از مکاتب بودایی بخصوص مهاییانا و از فکر هندویی هم تأثیر پذیرفته است.

۲- الهیات تانترایی که در اساس شبیه تانترای هندویی است و در افکار مهاییانا جای گرفته است.

۳- اعمال.

در تانترای هندویی عقاید و دانته، یوگا، سانکهییه، پورانایی، ونیایه، (Nyaya) و واشیشیکا (Vaisesika) و همچنین علوم پزشکی و کتب قانون به طور پراکنده یافت می‌شود و نیز در تانترای بودایی افکار فوق طبیعی که از مکاتب مهاییانا نشأت گرفته است، تحت تأثیر یکتاپرستی و دانته قرار دارد؛ و آنچنان عقاید مختلف بدون در نظر گرفتن اهمیت ورودشان در کنار هم قرار گرفته‌اند که نتیجه آن به هم آمیختگی "شونیه واده" و "وینجنانه واده" و "وادنتا" است، "گاهی از عناصر یوگا و سانکیه نیز تشکیل شده است (C.f. CH. Dasgupta. Tantric Buddhism, p.4). متون هینایانا در سالهای اولیه پیدایش بودایی، تعداد قابل توجهی از صور تانترایی را به شرح زیر در خود جای داده است:

الف) قدرت عرفانی عمیقی را که گفتار درست و حقیقی در خود دارد.

1- C.f. SH. Dasgupta. Tantric Buddhism, p.4.

ب) نیایش‌های مخصوص در امان ماندن از شر خدایان بدسگال و دور کردن ترس.

ج) پرستش اماکن مقدس، زیارت و بت پرستی.
د) مراقبه و تمرکز ذهن، اساس یوگا تانترا را تشکیل می‌دهد. در حقیقت مراقبه بودایی نوع تغییر شکل یافته هندویی است.

۲- مهایانا

مهایانا نیز به طور گسترده از اصول تانترای بهره برده است و دو مشخصه کلی آن یکی "ساده‌ها‌نا" (Sadgana) است، به معنی لزوم سیر و سلوک به همراه یک "گورو" یا مرشد است تا بتواند به مقام بودائیت راه‌گشا باشد؛ و دیگری "وجره یانه" (Vajrayana) که طریق و روش‌های ویژه نیایش است و سبب جدا شدن دو شاخه چپ و راست شده و هر دو از مهایانا منشعب شده‌اند.

امروزه غربی‌ها، تانترا را به شکل و معنی منفی آن که دست چپی است و اوراد جادویی را در بر دارد به مردم معرفی کرده‌اند. البته تا حدودی درست می‌گویند، زیرا این اعمال در میان آیین بودایی و هندویی اصلی دیده نمی‌شود ولی دلیل نمی‌شود که تمام مکتب تانترا براساس این اعمال الحاد آمیز باشد.

تانترای بودایی مدیون وجود مهایانا است؛ چون قائل به "هم دردی با جمیع خلائق" در دنیاست، بنابراین سبب گشت تا همه مردم از سرزمین‌های مختلف به دین بودا جلب شوند هدف کلی هینایانا رسیدن به مقام "ارهت" (Arhathood) است بنابراین از طریق نیروانا و یا فنای کامل باید از گردونه تولد و مرگ رها شوند. اما این نهایت هدف مهایانا نیست بلکه "بدهیستوا" (Bodhisattva) شدن است؛ یعنی کسی که به این مقام می‌رسد، گرچه با تقوی و اعمال نیک لایق نیروانا شده است، ولی نجات خود را تا نجات همه خلائق به تعویق می‌اندازد.

برای بودایی، بودا دارای دو وجود است که اهمیت شایانی دارد یکی "روپه کایا" (Dharma - Kaya) یا بعد مادی است و دیگری "دارماکایا" یا جسم ابدی و لایزال

و همه فراگیر است.

مهایانا می‌گوید: (C.f. SH. Dasgupta. Tantric Buddhism, p.II.) بودا فردی تاریخی بود و روپه کایای بودا همان وجود تاریخی اوست. وجود فوق تاریخی او همان دارما کایاست. اما این اصل والا سه جنبه دارد که سه پیکر بودا نامیده می‌شود (Trikaya).

۱- دارما کایا (دهر مه معنی ساری در همه - ابدی - یکتا - نامحدود (Dharma Kaya) یا پیکر شریعت و دین.

۲- سمبهوگه کایا (Sambhoga - Kaya) که بدن یا قالب بخشش و رحمت است و وقتی تجلی می‌کند که انوار نورانی از آن ساطع می‌شود و هر یک لوتوسی (گل نیلوفر آبی) را برمی‌انگیزد و عشق و شادی را سبب می‌گردد.

۳- نیرمانا کایا (Nirmana - Kaya) که جنبه تاریخی بودا است و بوداهای دیگر که تجلی مادی پیدا می‌کنند مثل "شاکیاسی مهابودا" (Sakyasi mhabuddha).

گرایش فلسفه مهایانا به یک خدایی همراه با پرستش بودا به عناوین مختلف، سبب ایجاد ایده تانترای بودایی شد که در رابطه با خدای اعظم ابدی هستی مطلق است. پس خدایان دیگر تجلی‌ها و تظاهرات او می‌شوند؛ پس نه تنها یک خدای برتر و عالی قرار دارد و مجموعه‌ای از خدایان در کنار هم هستند، بلکه او همیشه همراه با همسر مؤنث ابدی خویش است. لذا خدایان دیگر هم دارای همسرهایی می‌باشند. (C.f. SH. Dasgupta. Tantric Buddhism, p.33.)

۳- تانترای مناسب و شایسته

(C.f. L. DE Laval Poussin, "Tantrism (Buddist), J. Haistings, ed E.R., Vol, 1980, p. 196.)

این شاخه از تانترا دارای دو صفت است. از یک طرف دارای خدایان، مراسم، آداب جادویی است که قرن‌ها در هر دو آیین هندوئی و بودایی رایج بوده است؛ از طرف دیگر منطبق بر سحر و جادویی است که عرفان بسیار پیشرفته‌ای به نام "وجره

یانه" بر آن قرار دارد. و این شکل نوعی بدعت را در بودیسم سبب شد. کاملان که در عین حال عرفا نیز هستند مدارسی را اداره می‌کنند که تعالیمی رمزی همراه با اوراد و نظریه‌های مختلف را به شاگردان منتقل می‌کنند؛ از قبیل: لزوم پیروی بی چون و چرا از یک معلم و مرشد که خود به مقام بودائیت رسیده باشد. (ابن فرد را Sadhu گویند). جادوی سیاه و یا سفید و پرستش از جمله کارهای این مرشد است.

تانترا قبل از آن که یک آیین جادویی و خرافاتی و نیایشی باشد، یک سفینه و یک وسیله نقلیه است و از آن جا که "وجره یانه" به معنی سفینه‌ای نجات دهنده است؛ بنابراین تانترا را "تانترایانا" و یا "مانترایانا" می‌گویند. و چون صاعقه ابزار دست ایندرا برای دور کردن شرور بوده است، در دستان یوگی هم همان اثر را خواهد داشت. برحسب معنی وجره که امروزه دو معنی پیدا کرده است، تانترا به دو شعبه مهم به شرح زیر تقسیم شده است:

۱- اشاره بر انرژی عرفانی و ملکوتی که با فراست و زیرکی شناخته می‌شود و وسایل شناخت آن موجوداتی علوی هستند مثل "وجره بدهیستوه" و یا "وجره یوگینی" و آن به معنی جادوگر مؤنث آسمانی است. همه موجودات آسمانی و ملکوتی "هستی مطلق" یا "آدی بودا" (adhibuddhi) هستند.

۲- از طرف دیگر "وجره" معنی عرفانی "لینگا" (Linga) یا آلات تناسلی مرد است. درست مثل گل نیلوفر آبی که نشان دهنده آلت تناسلی زن است. هر دو این مکاتب ریشه در مهاییانا دارند. آنها متمسک به نظریه پوچی دنیا هستند؛ در عین حال عقیده وحدت وجود را رواج می‌دهند.

در حالی که مهاییانا تمام خلایق را بوداهای آینده می‌بیند، این دو دسته مخلوقات را "وجره ستوه" (وجره ستوه یعنی آنچه حقیقت یا جوهر وجودی او وجره یا قدرت شیوا (ایندرا) است وجره در اصل یعنی صاعقه و سلاح ایندراست در تانترا و در شیوا پرستی قدرت شیوا است. (Vajra - Sattra). می‌داند که موجودات سرانجام در مقام وحدت به ذات کل به آن می‌رسند.

همچنین این دو گروه معتقدند که طبیعت "وجره" در تمام مخلوقات ساری و جاری است و می‌توان از طریق مراقبه و مراسم ویژه به آن دست یافت. دست چپی‌ها بیشتر به مراسم شیوایی نزدیک تر و دستی راستی‌ها به آیین ودانته یوگا نزدیک هستند.

مهم‌ترین مطلب در مکتب تانترایی، موضوع پرستش زن یا "استری پوجا" است که در آن اعمال وقیح و گناه آلود مثل زنای با محارم انجام می‌شود، که عملی قهرمانانه از جانب بدهیستوا است که منجر به تقوی کامل می‌شود.

(Cf. L. Dalavallepoussin, "Tantrism" (Buddist), J. Hastings, ed E.R.E, Vol. 12, P.)

196.)

عرفان و علم اسطوره بودایی ممزوجی از شکتی‌ها است (که نطفه مرد از ۵ بودا تشکیل شده است) و نسبت به یک مرد خالص و پاک، همه چیز پاک است. برحسب عقیده گروه دست چپ، مراسم اتحاد و مقام "وجره ستوه" سودمند نخواهد بود مادامی که سه مرحله تزکیه بدن، کلام و اندیشه طی نشده باشند. این سه مرحله را گروه دست راست نیز قبول دارند.

امروزه از شاخه‌های بالاگروه‌های زیادی منشعب شده‌اند که برای دست یابی به "تاتها گاتا" (Tathagata به معنی رحم کل که یکی از صفات "حقیقت" در عالم واحدیت است). مراقبه و معرفت را تنها وسایل موجود می‌دانند. برخی دیگر مراسم اتحاد با "زن معنوی نه جسمانی" را قبول دارند و برخی دیگر بر اجرای مراسم ویژه مذهبی بخصوص بر نشان دادن اشکالی با انگشتان دست (اشکال عرفانی Mudra) تأکید می‌کنند.

سرود BHAIRAVISTOTRA

(A. Avalon, Hymns to the Goddess, Chapter "Tantraasara", p. 21.)

باشد که ترا ستایش کنم ای تری پورا

.....
.....

منشأ جهان تو هستی
گرچه سرآغاز نداری
با صدها سرود
حتی برهما، ویشنو، مهشورا (Maheshvara) نمی توانند تو را دریابند.
ای تری پوتا تو را می ستاییم
که بدنت بسان هزار خورشید درخشان می درخشد
ای بهاوانی (Bhavani) حکما ترا به صورت جسمانی شرح می دهند
دیگران ترا خدای کلام می دانند
و دیگران ریشه عوالم
اما ما دربارهات می اندیشیم
به عنوان اقیانوس غیر قابل عبور رحمت و نه هیچ چیز دیگر

سرود BHUBANESHVARI

(A. Avalon, Hymns to the Goddess, p.29)

تو خدای لایزال هستی، مادر خلائق بی شمار، خالقۀ بدنهای برهما، ویشنو، شیوا.

که خالق، حافظ، مهلک سه عالم می باشند

.....
تو علت هلاک دنیایی که قدرت شیواست

.....
تو سرشار از عطوفتی
گرچه مادر وداها هستی
اما هنوز نمی توانند تو را به وصف کشند
گرچه مردم باید بر تو تمرکز کنند
اما هنوز از درک تو ناتوانند.

سرود SARVAVISHVAJANANI یا مادر کائنات

(A. Avalon, Hymns to the Goddess, Ch. 29, p. 29.)

او که دنیا و هر دو حقیقت و غیر حقیقت را بوجود آورده است.
او که با قدرت خود و با سه ذات خود رجس، ستوه، و تمس است، دنیا را
حمایت می‌کند، خراب می‌کند، آنگاه بازی می‌کند.
می‌گویند برهما خالق جهان است.
و حکما، "پورانانا" و "ودا" گویند که اوست خالق، اما خود او چون زاده شده
است، پس وابسته است.

.....
.....

چگونه او که خود حمایت می‌شود هدایت کننده خلقت جهان بوده است.
حتی آب اقیانوس که از مایع است
بدون حفاظ نمی‌باشد، پس
به او پناه می‌برم، مادر موجودات،
که وجود دارد در همه چیز به شکل قدرت
با دیدن این که چشمان ویشن به هنگام خفتن بسته می‌شود
به آن دوی که سرپناه من است نیایش کن.

نتیجه:

علی‌رغم این که تانترا آئینی به ظاهر مبتنی بر ثنوی پرستی (مذکر، مؤنث) است
که محور اصلی آن را پرستش این دونیرو تشکیل می‌دهد، ولی میل به گشودن راز
خلقت، فساد دنیا و نیایش خدایان در آن مکتب، برای رسیدن به قدرت مافوق
طبیعی و اتحاد با هستی است؛ و در این راستا هدف اصلی خود را که همانا پی بردن
به برهمن متعال است، آشکار می‌کند. بنابراین از "برهمن سگونه" به "برهمن
نیرگونه" می‌پردازد.

منابع:

- 1- Avalon. A, Hymns to the Goddess, 1952.
 - 2- Dasgupta. SH, tantric buddism.
 - 3- Encyclopedia of religion and ethics. Ed. Hastings. j. vol.12, 1980.
 - 4- Encyclopedia of religion ed. Eliads.M, vol 14, 1987.
 - 5- Mujtabai. F, Hindiu Muslem cultural relation. Delhi 1978.
- ۶- شایگان، داریوش، ادیان و مکتبهای فلسفی هند، تهران، ۱۳۶۲.
- ۷- ناس، جان، بی، تاریخ مختصر ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، ۱۳۷۰.